سی‌ودومین همایش بانکداری اسلامی: نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی: مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی
۸ و ۹ شهریور ماه ۱۴۰۱، صص. ۲۲۷-۲۶۱

شیوه عملیاتی نظارت و انطباق شرعی در نمونه‌ای از بانک‌های اسلامی؛ مطالعه موردی «بانک میزان پاکستان» و «بانک الرجحی عربستان»

وهاب قلیچ[۱]

چکیده

تجارب بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که بسیاری از کشورهای اسلامی به برقراری چهارچوب حاکمیت و نظارت شرعی در نظام بانکداری خود اقدام کرده‌اند. در این میان، فقدان چهارچوب جامع و واحد، باعث شده روش‌ها و الگوهای متنوعی از این مقوله در بانک‌های مختلف اجرایی شود که معمولاً هر یک براساس شرایط، ظرفیت‌ها و تجارب بانک‌ها و نیز دستورالعمل‌های بالادستی، متفاوت از دیگری هستند. در میان کشورهای اسلامی در زمینه نظارت شرعی، پاکستان به‌عنوان کشوری با رویکرد مداخله‌گرایانه و عربستان با رویکرد منفعلانه در سطح ملی شناخته می‌شوند. در این مطالعه برای آشنایی با هر دو الگو، به تبیین شیوه عملیاتی نظارت و انطباق شرعی در بانک میزان پاکستان و بانک الرجحی عربستان (به‌عنوان دو بانک بزرگ اسلامی جهان) پرداخته شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که این دو بانک با دو رویکرد متفاوت در نظام‌های بانکداری کشور خود، هر دو نسبت به حاکمیت و نظارت شرعی از حساسیت بالایی برخوردارند و تفاوت رویکردها صرفاً خود را در اجرای این مقوله در سطوح مختلف ملی یا سازمانی نشان می‌دهد. این حساسیت به اندازه‌ای است که در هر دو بانک بدون تأیید و تصویب هیئت شرعی، پیاده‌سازی ابزار یا اجرایی شدن عملیات بانکی امکان‌پذیر نیست.

واژه‌های کلیدی: نظارت شرعی، حاکمیت شرعی، بانکداری اسلامی، بانک میزان، بانک الرجحی
JEL: G28 ،M42, O16, E58

---

[۱] استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده مسئول)؛ w.qelich@gmail.com

مقدمه

طی چند دهه اخیر، بانکداری و مالی اسلامی عملکرد چشمگیری از خود نشان داده و امروزه به یک سازوکار حاکمیتی پایدار در بسیاری از مؤسسات مالی جهان تبدیل شده است. (یودین[1]: ۲۰۱۵، ص. ۳۶) این سازوکار به‌دلیل این‌که از معاملات حقیقی حمایت می‌کند، به‌عنوان جایگزین یا مکملی برای نظام بانکداری و تأمین مالی متعارف مورد توجه قرار گرفته است. بانکداری و مالی اسلامی در پی نهادن اصول و ارزش‌های اسلامی در عملیات اقتصادی است و سعی در برقراری نظامی عادلانه‌تر در بین فعالان پولی و مالی دارد. این اصول و ارزش‌های اسلامی عمدتاً بر منع استفاده از بهره ربوی، قمار، اکل مال به باطل، غرر، تصرف عدوانی، اعمال ضرر به دیگران و نیز لزوم رعایت اخلاق، انصاف و عدالت تأکید دارد.

آنچه بدیهی است این است که صرف نامیدن یک بانک به‌عنوان «بانک اسلامی» کافی نیست و به اطمینان‌یابی از رعایت همه اصول و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌ها و عملیات آن بانک نیاز است. به بیان دیگر، مؤسسات مالی اسلامی موظفند نسبت به انطباق کامل کلیه مقررات، عملیات، خدمات، محصولات و روش‌های اجرایی خود با اصول و موازین شریعت اسلامی اطمینان حاصل کنند و این اطمینان را به جامعه مشتریان و نهادهای بالادستی نیز منتقل کنند. برای حصول اطمینان از رعایت این اصول و ارزش‌ها، به‌کارگیری سازوکاری تحت عنوان «چهارچوب حاکمیت شرعی (SGF)[2]» ضروری است. (احمد[3]: ۲۰۱۱، ص. ۳۹۳)

چهارچوب حاکمیت شرعی، سازوکار و فرایند اطمینان‌بخشی نسبت به نظارت و انطباق شرعی عملکرد و فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی و بانک‌های اسلامی با اصول و موازین شرعی است. از آنجا که اصول و موازین شرعی، اساس نظام مالی اسلامی و نظام بانکداری اسلامی است، کارشناسان بر این عقیده‌اند که برقراری چهارچوب حاکمیت شرعی باید مهم‌ترین وجه تمایز بین مؤسسات مالی متعارف و اسلامی باشد. (میزوشیما[4]: ۲۰۱۴، ص. ۶۲) این سازوکار به‌نحو پیوسته، انطباق شرعی عملیات مالی و بانکی را در مؤسسات مدنظر، رصد، نظارت و در نهایت تضمین می‌کند که نتیجه این فرایند در کلیت، تحقق عدالت و رفاه اجتماعی بیشتر برای جامعه خواهد بود. (هریسون و ابراهیم[5]:

[1] Uddin
[2] Shariah Governance Framework
[3] Ahmed
[4] Mizushima
[5] Harrison & Ibrahim

۲۰۱۶، ص. ۱۳) به دو علت اصلی بانک‌های اسلامی نسبت به برقراری حاکمیت شرعی حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهند. نخست، مسئله حفظ شهرت برای صیانت از اعتماد مشتریان، سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سهامداران خواهان تعامل با بانک‌های اسلامی واقعی. و دوم، حفظ درآمد بهتر. چرا که اگر مشخص شود درآمدهای حاصله از مجاری غیرمنطبق با موازین شریعت بوده، این درآمدها به خیریه‌ها منتقل خواهد شد و بانک از سود اقتصادی کمتری بهره‌مند می‌شود.

از این‌رو، مشخص است که در چهارچوب حاکمیت شرعی (SGF)، بخش نظارت شرعی (SS)[1]، بخشی مهم و ضروری است که باید در کلیه مؤسسات مالی اسلامی اعم از بانک‌های اسلامی دیده شود و مورد توجه قرار گیرد. این نکته‌ای است که محققان و کارشناسان نیز بر آن اذعان دارند. (ر.ک. نومران و هارون[2]: ۲۰۲۰، ص. ۱۱۶؛ میاجی[3]: ۲۰۱۸، ص. ۱)

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، موضوع حاکمیت شرعی برای اجرای نظارت و انطباق شرعی مورد توجه نهادها و مؤسسات مالی اسلامی در کشورهایی نظیر مالزی، اندونزی، انگلستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس (GCC)[4] قرار گرفته است.

القصار و احمد[5] (۲۰۲۱) چهارچوبی برای ارزیابی پذیرش قانونی استانداردهای حاکمیت شرعی تدوین کردند و از آن برای ارزیابی قانونی و نظارتی روش‌های حاکمیت شرعی در چهار کشور کویت، مالزی، پاکستان و امارات متحده عربی استفاده کردند. در این چهارچوب، عناصر اصلی روش‌های حاکمیت شرعی براساس سازمان حسابرسی و حسابداری مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)[6] و هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)[7] در دو گروه ارایه شده است. نخستین گروه مرتبط با چهارچوب قانونی و نظارتی است که عناصر اصلی روش‌های حاکمیت شرعی را شناسایی می‌کند و شامل مسئولیت‌های هیئت‌مدیره در ارتباط با موضوعات شرعی، کمیته‌های هیئت‌مدیره، حسابرسی شرعی داخلی و خارجی، گزارشگری و شفافیت شرعی، کمیته فقهی مرکزی و استانداردسازی قواعد شرعی است. در گروه دوم

[1] Shariah Supervision
[2] Nomran & Haron
[3] Miajee
[4] Gulf Cooperation Council
[5] AlQassar & Ahmed
[6] Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)
[7] Islamic Financial Services Board

نیز رهنمودهای نظارتی مرتبط با ایجاد مؤثر کمیته‌های فقهی در سطح مؤسسات ارایه شده که شامل انتصاب کمیته فقهی، صلاحیت، استقلال، محرمانه بودن اطلاعات، ثبات رویه، پاداش و برکناری، عضویت در کمیته فقهی چند سازمان مختلف و ارزیابی اعضای کمیته فقهی است. نتایج پژوهش نشان داد که در بین چهار کشور مورد بررسی، مالزی قوی‌ترین روش‌های حاکمیت شرعی و امارات متحده عربی ضعیف‌ترین محیط قانونی و نظارتی در ارتباط با حاکمیت شرعی را دارد.

عابدین[1] و همکاران (۲۰۲۱) ادراکات اعضای کمیته فقهی را در مورد استقلال، در هنگام انجام دادن وظایفشان بررسی کردند. نتایج نشان داد که اعضای کمیته فقهی بر این باورند که مواردی نظیر نفوذ نامناسب مدیریت، انتصابات متعدد اعضای کمیته فقهی، مدت تصدی و وابستگی مالی به سازمان، استقلال اعضای کمیته فقهی را خدشه‌دار می‌کند. در مقابل، صلاحیت و خصوصیات شخصی اعضای کمیته فقهی، نقش رئیس کمیته فقهی و مشارکت هیئت‌مدیره از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند برای رفع این مسائل مفید باشد.

ردوان و میاپادا[2] (۲۰۲۰) به بررسی تأثیرات حاکمیت شرعی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی در بانک‌های اسلامی کشور اندونزی پرداخته‌اند. نتایج نشان‌دهنده این بود که اثربخشی هیئت‌مدیره، نقش مهمی در افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها داشته است. در حالی که کمیته حسابرسی و کمیته فقهی اثر معناداری در افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی در بانک‌های مورد تحقیق نداشته‌اند.

نفیس[3]و همکاران (۲۰۱۹) سطح عملیاتی‌سازی حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی را در سه کشور سریلانکا، مالزی و بحرین با یکدیگر مقایسه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که سطح مطلوبی از حاکمیت شرعی در کشورهای مالزی و بحرین وجود دارد. در کشور مالزی اقدامات قابل توجهی در راستای قانونگذاری صنعت بانکداری اسلامی در ارتباط با حاکمیت شرعی انجام شده است. بر این اساس، کلیه بانک‌های اسلامی موظفند کمیته‌های فقهی را تعیین کنند و در صورت وجود تعارض آرا بین اعضای کمیته فقهی باید با شورای مشورتی شرعی (SAC)[4] که زیر نظر بانک مرکزی مالزی تأسیس شده، مشورت کنند. در کشور بحرین، بانک مرکزی بحرین کلیه بانک‌ها را به‌تشکیل کمیته فقهی مستقل مطابق با استانداردهای حاکمیتی شماره یک و دو (AAOIFI) ملزم کرده است. همچنین، کشور بحرین برخلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، شورای مشورتی شرعی

[1] Abidin
[2] Ridwan & Mayapada
[3] Nafees
[4] Shariah Advisory Council

ملی را با هدف تحقق انطباق شرعی ایجاد کرده است. در کشور سریلانکا برخلاف دو کشور مذکور، عموم مؤسسات مالی اسلامی از حاکمیت شرعی مناسبی برخوردار نیستند.

نوروز[1] (۲۰۱۸) به بررسی آثار کمیته فقهی بر عملکرد مؤسسات مالی در مالزی با استفاده از نظریه نمایندگی پرداخته است. در این پژوهش، اندازه هیئت‌مدیره، تعداد مدیران غیراجرایی، تعداد مدیران زن، تعداد کمیته‌ها، تعداد جلسات هیئت‌مدیره، اندازه شرکت، اندازه کمیته فقهی، مدیران زن کمیته فقهی و صلاحیت مدیران کمیته فقهی به‌عنوان متغیرهای حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شدند. متغیر وابسته نیز با اندازه‌گیری عملکرد مالی شرکت از طریق نرخ بازده دارایی‌ها و ارزش شرکت، اندازه‌گیری شده است. یافته‌ها نشان داد ویژگی‌های کمیته فقهی تأثیر کمتری بر عملکرد شرکت‌ها در مالزی دارد. با وجود این، زمانی که این کمیته با اعضای هیئت‌مدیره همکاری می‌کند، به عملکرد بهتری برای شرکت منجر می‌شود.

عبدالله و رحمان[2](۲۰۱۷) ساختار، مسائل و چالش‌های مرتبط با حاکمیت شرعی را در بانک‌های اسلامی بنگلادش مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که نظام حاکمیت شرعی در بنگلادش عمدتاً مبتنی بر ابتکارات داوطلبانه بانک‌های اسلامی است. کمیته فقهی بدون الزام بانک مرکزی در کلیه بانک‌های اسلامی بنگلادش تشکیل شده است. حسابرسی شرعی در این بانک‌ها انجام می‌شود و مسئولیت نهایی انطباق شرعی نسبت به الزامات بانک مرکزی برعهده هیئت‌مدیره است. در این کشور، کمیته فقهی مرکزی برای نظارت بر بانک‌های اسلامی تشکیل شده است. گر چه این کمیته توسط بانک مرکزی این کشور به رسمیت شناخته نشده و بانک‌های اسلامی ملزم به پیروی از دستورالعمل‌های آن نیستند، با وجود این، بانک‌های اسلامی به‌دلیل ریسک کاهش اعتبار، به‌طور کلی از قطعنامه‌های شرعی صادره توسط کمیته فقهی مرکزی تخلف نمی‌کنند. در این مقاله پیشنهاد شده دولت بنگلادش به‌منظور بهبود سیستم حاکمیت شرعی، قانونی را برای عملکرد بانک‌های اسلامی تصویب کند. علاوه بر این، بانک مرکزی باید دستورالعمل‌های خود را برای عملیات بانکی اسلامی تقویت کند و کمیته فقهی مرکزی را به رسمیت بشناسد تا بتواند نظارت شرعی را در سطح بانک‌های اسلامی انجام دهد.

حسن (۲۰۱۴) ادراکات اعضای کمیته فقهی را درباره حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی به‌ویژه در شش حوزه اصلی آن یعنی موضوع‌های حاکمیت شرعی، چهارچوب قانونی، نقش کمیته

[1] Nowroz
[2] Abdullah & Rahman

فقهی، ویژگی اعضای کمیته فقهی، روش‌های اجرایی حاکمیت شرعی و ارزیابی کمیته فقهی مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان‌دهنده این است که از نظر مصاحبه‌شوندگان در چهارچوب حاکمیت موجود، شکاف‌ها و ضعف‌هایی وجود دارد که نیازمند اصلاح و بهبود است.

حمزه[1] (۲۰۱۳) ارتباط بین انطباق شرعی، روش‌های نظارت شرعی و اثربخشی حاکمیت شرعی را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش دو الگوی حاکمیت شرعی با یکدیگر مقایسه می‌شود. الگوی اول که در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کاربرد دارد، الگویی غیرمتمرکز است. و الگوی دوم که در کشور مالزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، الگویی متمرکز است. در این تحقیق، استقلال کمیته فقهی در انجام دادن فرایند نظارت و میزان سازگاری احکام شرعی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی ساختار حاکمیت شرعی کارآمد تعیین شدند. از نظر اثربخشی الگوهای حاکمیت شرعی نیز قالب متمرکز حاکمیت شرعی در کشور مالزی به‌عنوان قالب سودمند در این صنعت ارزیابی شده است.

احمد و خاتون[2] (۲۰۱۳) میزان رعایت استانداردهای حاکمیت شرعی (AAOIFI) را در ۱۷ بانک اسلامی کشور بنگلادش بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که هیچ‌یک از بانک‌های مورد بررسی، استانداردهای حاکمیت شرعی این سازمان را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که گزارش‌های تهیه شده توسط کمیته فقهی بانک‌های مذکور از شیوه عملیاتی یکسانی پیروی نمی‌کنند.

حسن (۲۰۱۱) در تحقیق خود، فرایندهای حاکمیت شرعی در مالزی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (کویت، بحرین، امارات متحده عربی، قطر و عربستان سعودی) را بررسی کرده و نتیجه گرفته که فرایندهای حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی کشورهای مورد بررسی به‌نحو واضحی با همدیگر متفاوتند. همچنین، نتایج این تحقیق بیان‌کننده این نکته است که ضعف‌هایی در فرایندهای فعلی حاکمیت شرعی کشورهای مختلف وجود دارد که باید ترمیم شود.

در ایران نیز مطالعاتی در این حوزه انجام شده است. برای نمونه:

- نوابی مقدم و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام بانکداری اسلامی[3]» اشاره می‌دارند که ضرورت وجود نظارت شرعی در نظام بانکی با مبانی فقهی نظیر قاعده نفی غرر، ممنوعیت ربا، لاضرر، حفظ مصالح عموم و

[1] Hamza
[2] Ahmed & Khatun
[3] متن کامل این مقاله در سال ۱۴۰۲ منتشر می‌شود و در حال حاضر صرفاً چکیده مقاله در دسترس مخاطبان است.

عدم معصومیت حاکمان توجیه شده و مستندات قانونی متعددی نظیر اصل دو، چهار و هفتادویکم قانون اساسی و همچنین فلسفه وجودی تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و دیگر مقررات مرتبط، بر لزوم نظارت شرعی در این زمینه تأکید دارند. در همین راستا، مؤسسات بین‌المللی مالی اسلامی، راهکارهایی را به‌منظور اجرایی شدن نهاد مذکور در سیستم بانکداری کشورهای اسلامی ارایه کرده‌اند که در بیشتر کشورهای دارای بانکداری اسلامی اعمال شده است.

- قنواتی و همکاران (۱۳۹۹) مرتبه حقوقی حاکمیت شرعی و تولیت آن در بازار سرمایه را مورد بررسی قرار دادند. یکی از مسائل مهمی که در نظام‌های مبتنی بر شریعت مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئله حاکمیت شرعی و ابتنای قوانین و مقررات بر موازین شریعت است. برخلاف اینکه اطلاق و عموم موضوع به‌عنوان یک بنای گسترده در سه حوزه هدایت، نظارت و رقابت قابل‌توجه است، این مهم بعضاً در بازارهای سرمایه مبتنی بر موازین شرعی چندان نظام‌مند نشده و از این حیث ساختارهای موجود با چالش‌هایی مواجه است. مسائل مورد ابتلا از سویی به ابهامات قانونی مربوط است و از سویی به ایرادات سازمانی بازمی‌گردد. از این‌رو، لازم است در کنار تحقق نظام مطلوب معاملاتی، مرتبه هدایتی و نظارتی متولیان ضوابط شرعی نیز به‌عنوان یک رکن شناخته شود. بنابراین، آنچه درخصوص ساختار ترسیم شده برای بازارهای مبتنی بر موازین شرعی حائز اهمیت است، این واقعیت است که به‌رغم هدف انطباق مقررات و فعالیت‌ها بر استانداردهای شرعی، تولیت حاکمیت شرعی در بازار سرمایه به‌نهادهای متعارف بازار وابستگی زیادی دارد که در جای خود مسائلی را در پی خواهد داشت.
- توحیدی و فتاحی (۱۳۹۸) با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل استانداردهای (AAOIFI) و (IFSB) و استخراج مؤلفه‌های اساسی ارتقای نظارت شرعی پرداختند. طبق نتایج این مطالعه، وظایف کمیته فقهی، ساختار و ماهیت کمیته فقهی، نظارت شرعی، گزارش نظارت شرعی و نقش مؤسسه مالی اسلامی به‌عنوان پنج مؤلفه مطلوب نظارت شرعی تعیین شدند.
- روحانی و بنی‌طبا (۱۳۹۶) با واکاوی وضعیت موجود نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و تبیین ضعف‌های قانونی، نهادی و اجرایی در این حوزه، مهم‌ترین پیامدهای نبود نظارت شرعی را ارایه کردند که عبارتند از: عدم‌پایبندی بانک‌ها به‌لوازم عقد وکالت و برخورد مالکانه با اموال وکالتی، محتوازدایی از عقود مشارکتی و مبادله‌ای و استفاده صوری از آن‌ها، عدم‌انطباق ضوابط حسابداری بانک‌ها در بخش ارزی و نیز صورت سود و زیان بر بانکداری بدون ربا. همچنین، با بررسی الگوهای

نظارت شرعی در نظام بانکی کشورهای مختلف و استانداردهای بین‌المللی، پیشنهادهایی در زمینه تثبیت نظارت شرعی بر بانک‌ها و ارتقای جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی ارایه شده است.

ادبیات موضوع و مبانی نظری

براساس نظریه نمایندگی[1]، حاکمیت شرکتی، سازوکاری برای نظارت بر اعمال مدیریت، جهت ممانعت از ایجاد تضادهای نمایندگی شده است. حاکمیت شرکتی روشی است که از طریق آن، هیئت‌مدیره بر نحوه اداره مؤسسه توسط مدیران و چگونگی انتصاب، تغییر و پاسخگویی آن‌ها نسبت به سهامداران و ذی‌نفعان شرکت نظارت می‌کند. (مونیزا و حسن[2]: ۲۰۱۴، ص. ۱۲۱) در رویکرد سنتی فرض بر این است که حاکمیت شرکتی اقدامی است که فقط برای محافظت از حقوق سهامداران در برابر اقدامات سودجویانه مدیران انجام می‌شود. اما امروزه حاکمیت شرکتی به رابطه بین سهامداران و مدیریت محدود نیست، بلکه در چهارچوب گسترده‌تر یعنی رابطه بین مدیریت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذی‌نفعان شرکت مطرح می‌شود. این دیدگاه مدرن مطابق با نظریه ذی‌نفعان[3] است که بیان می‌کند ایجاد روابط خوب با همه ذی‌نفعان یک امر اساسی در دستیابی به اهداف سازمانی است. (ردوان و میاپادا: ۲۰۲۰، صص. ۵-۴)

در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی در مؤسسات و بانک‌های اسلامی توجه زیادی را به‌خود جلب کرده است. با رشد گسترده حاکمیت شرکتی در نظام مالی متعارف این پرسش مطرح می‌شود که حاکمیت شرکتی اسلامی[4] چیست و چگونه باید طراحی شود؟ یکی از دلایل اهمیت ویژه تدوین مبانی نظری حاکمیت شرکتی اسلامی، جست‌وجوی جهت‌گیری معرفت‌شناختی آن و شناسایی نظریه‌های مرتبط با الگوهای حاکمیت شرکتی موجود، خصوصاً دو نظریه نمایندگی و نظریه ذی‌نفعان است. با استفاده از تجزیه و تحلیل ویژگی‌های اصلی هر دو نظریه، به‌نظر می‌رسد که چهارچوب مبتنی بر ارزش ذی‌نفعان در مقایسه با چهارچوب مبتنی بر سهامداران برای اجرا در فرایندهای حاکمیت شرکتی مؤسسات مالی اسلامی مناسب‌تر است و بر منافع گروه متنوعی از ذی‌نفعان مانند کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان و جامعه محلی تأکید می‌کند. (حسن[5]: ۲۰۱۱، ص. ۱)

---

[1] Agency Theory
[2] Muneeza & Hassan
[3] Stakeholder Theory
[4] Islamic Corporate Governance
[5] Hasan

حاکمیت شرکتی مؤسسات مالی اسلامی به نقش و عملکرد کمیته‌های فقهی[1] اهمیت زیادی می‌دهد که از موارد آن می‌توان به محافظت از منافع سرمایه‌گذاران، رعایت قوانین شرعی، نظارت و مدیریت ریسک در قراردادهای شرعی و ایجاد چهارچوب جامع حاکمیت شرکتی حاوی مسئولیت‌های امانتدارانه هیئت‌مدیره و مدیران ارشد اشاره کرد. (نومران و هارون: ۲۰۲۰، صص. ۹۳-۹۲؛ صلاح‌الدین[2]: ۲۰۰۸، ص. ۳۸) از این‌رو، ساختار حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی به شاخصه‌هایی مازاد در رعایت اصول و قوانین شریعت نیاز دارد که می‌توان آن را «حاکمیت شرعی» نامید. حاکمیت شرعی به‌عنوان بخشی از چهارچوب حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی، سعی در ایجاد و حفظ اعتماد سهامداران و سایر ذی‌نفعان به تطابق تمام فعالیت‌ها، معاملات و روش‌ها با اصول شریعت اسلامی دارد. (زین و شفیعی[3]: ۲۰۱۸، ص. ۲۹)

تا قبل از انتشار اصول راهنمای (IFSB) در زمینه روش‌های حاکمیت شرعی مؤسسات مالی اسلامی، هیچ تعریف رسمی و کاملی از حاکمیت شرعی در دسترس نبود. شاید بهترین تعریف از حاکمیت شرعی را بتوان در استاندارد شماره ۱۰ این هیئت یافت. این استاندارد حاکمیت شرعی را مجموعه‌ای از سازوکارهای سازمانی تعریف می‌کند که از طریق آن مؤسسه مالی اسلامی اطمینان می‌دهد که «نظارت مستقل و مؤثر» نسبت به«انطباق شرعی» در همه بخش‌ها و فرایندهای آن وجود دارد. این فرایندها عبارتند از: صدور بیانیه‌های فقهی، ارایه اطلاعات در مورد احکام شرعی به کارکنان اجرایی مؤسسات مالی اسلامی که به‌طور مستمر بر به‌کارگیری بیانیه‌های شرعی نظارت دارند، بررسی انطباق شرعی داخلی یا حسابرسی داخلی و بررسی انطباق شرعی سالانه برای تأیید این‌که بررسی انطباق شرعی داخلی یا حسابرسی داخلی به‌درستی اجرا و یافته‌های آن توسط کمیته فقهی بررسی شده یا خیر. (هیئت خدمات مالی اسلامی: ۲۰۰۹، ص. ۳)

مهم‌ترین عنصر حاکمیت شرعی فرایند آن است. این فرایند، عملکردهای مفید کمیته فقهی را به‌عنوان بخشی حیاتی از حاکمیت شرعی نشان می‌دهد و شامل کمیته فقهی، انتصاب، ترکیب، صلاحیت‌ها، فرایند انطباق شرعی، حسابرسی شرعی و گزارش شرعی است. (ملکاوی[4]: ۲۰۱۳، ص. ۵۶۰)

---

[1] Shariah Board
[2] Slahudin
[3] Zain & Shafii
[4] Malkawi

الف- کمیته فقهی: متداول‌ترین رویکرد برای تحقق حاکمیت شرعی، ایجاد کمیته فقهی است که مسئول نظارت بر رعایت اصول و آموزه‌های شرعی است. (ازید و النودل[1]: ۲۰۱۹، ص: ۳) در یک طبقه‌بندی، کمیته‌های فقهی به دو دسته درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم می‌شوند. دسته اول، متداول‌ترین الگویی است که در آن مؤسسات مالی اسلامی نسبت به تشکیل کمیته فقهی براساس مفاد اساسنامه خود موظفند. ساختار این کمیته‌ها در مؤسسات مختلف، متفاوت است. هدف تشکیل کمیته فقهی که در اساسنامه ذکر شده، ماهیت ساختار اداره آن را تعیین می‌کند. (حسن: ۲۰۱۱، ص. ۸۳) دسته دوم، شامل کمیته‌های فقهی در سطح ملی، بین‌المللی و افراد یا مؤسساتی است که خدمات مشاوره شرعی ارایه می‌کنند. در سطح ملی، کمیته‌های فقهی توسط دولت‌های مربوط در سطح بانک‌های مرکزی یا کمیسیون اوراق بهادار تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها بالاترین مقام شرعی در مؤسسات مالی اسلامی هستند و تصمیمات آن‌ها قطعی و لازم‌الاجراست. کمیته‌های بین‌المللی فقهی معمولاً سازمان‌های مستقلی هستند یا با همکاری متقابل چندین کشور اسلامی ایجاد شده‌اند مانند (AAOIFI)، بانک توسعه اسلامی (IDB)[2] و شاخص‌های بازار اسلامی داوجونز (DJIM)[3]. کمیته‌های مشاوره شرعی نیز مؤسساتی هستند که خدمات شرعی را در قالب خدمات مشاوره یا نظارت ارایه می‌دهند. (ملکاوی: ۲۰۱۳، ص. ۵۵۴)

ب- انتصاب: اعضای کمیته فقهی توسط سهامداران در مجمع عمومی عادی سالانه یا توسط هیئت‌مدیره شرکت تعیین می‌شوند. برای تأمین آزادی و استقلال، اعضای کمیته فقهی نباید در استخدام بانک باشند یا در تصمیمات مدیریتی و مسئولیت‌های عملیاتی نقش داشته باشند. علاوه بر این، طبق استاندارد (AAOIFI)، سهامداران در مجمع عمومی عادی سالانه، امکان تعیین اعضای کمیته فقهی را دارند ولی هیئت‌مدیره از این امکان برخوردار نیست. این امر برای حصول اطمینان از استقلال کمیته فقهی است. در صورتی که انتصابات کمیته فقهی براساس توصیه هیئت‌مدیره در مجمع عمومی عادی سالانه باشد، کمیته فقهی مجاز است در جلسات هیئت‌مدیره شرکت کند و در مورد جنبه‌های شرعی آن‌ها بحث کند. به‌طور کلی، استاندارد مشخص و واحدی در مورد شیوه انتصاب کمیته فقهی وجود ندارد.

---

[1] Azid & Alnodel
[2] Islamic Development Bank
[3] Dow Jones Islamic Market Indexes

ج- **ترکیب:** ترکیب کمیته فقهی در مؤسسات مالی اسلامی مختلف، متفاوت از یکدیگر است. تعداد اعضای کمیته فقهی در بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی بین سه تا شش نفر است. (ملکاوی: ۲۰۱۳، ص. ۵۶۰)

د- **صلاحیت‌ها:** افراد صلاحیتدار برای عضویت در کمیته فقهی، کسانی هستند که دارای تخصص لازم در شریعت و قانون، به‌ویژه فقه معاملات و اصول فقه باشند. با وجود این، استانداردهای حاکمیتی (AAOIFI) و استاندارد شماره ۱۰ (IFSB)، انتصاب افرادی را که در فقه معاملات تخصصی ندارند جهت عضویت در کمیته فقهی مجاز دانسته است که علت آن تقویت توانایی این کمیته در زمینه بررسی و درک امور مالی و بانکی است. کمیته فقهی بانک مرکزی پاکستان و بانک مرکزی مالزی متشکل از متخصصانی از حوزه‌های مختلف از فقها، حسابداران رسمی، وکلا، قضات و بانکداران هستند. بانک مرکزی پاکستان با وضع شرایط بسیار سختگیرانه برای انتخاب اعضای کمیته فقهی خود، حتی از این هم فراتر رفته است. از نظر صلاحیت آموزشی، هر یک از اعضای این کمیته باید دست‌کم دارای مدرک کارشناسی در اقتصاد یا مدرک تخصصی در اصول فقه و درک کافی از امور بانکی و مالی یا دارای مدرک تحصیلات تکمیلی در فقه اسلامی از دانشگاه‌های معتبر در رشته بانکداری و امور مالی باشند. همچنین، هر یک از اعضا باید دست‌کم سه سال تجربه در زمینه قوانین شرعی یا دست‌کم پنج سال تجربه در تحقیق و توسعه در زمینه بانکداری و امور مالی اسلامی داشته باشد. به‌علاوه، بانک مرکزی پاکستان بر توانایی تسلط اعضای کمیته فقهی یا داشتن دانش مناسب در زبان‌های عربی و انگلیسی تأکید می‌کند. همه این الزامات، کمیته فقهی را قادر می‌سازد تا سطح استانداردهای حاکمیت شرعی معتبری در مؤسسات مالی اسلامی ایجاد کنند که بسیار مهم است. (حسن: ۲۰۱۱، ص. ۹۶) در مجموع بررسی‌ها چنین به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین چالش در این حوزه، کمبود نیروهای کیفی و ماهر برای اجرای حاکمیت شرعی است. (شهزاد[1] و همکاران: ۲۰۲۱، ص. ۱۵)

هـ- **فرایند انطباق شرعی:** هر مؤسسه مالی اسلامی فرایندهای ویژه خود را برای اجرای حاکمیت شرعی دارد. چنین به‌نظر می‌رسد که در حال حاضر، رهنمود معتبر خاص و واحدی در مورد فرایند بررسی، انطباق و تأیید محصولات وجود ندارد و غالباً دبیرخانه‌ای تخصصی برای رسیدگی به امور و ابهامات شرعی وجود دارد. کارهای دفتری و اداری مربوط به کمیته فقهی که باید در جلسات کمیته فقهی ارایه شود، عمدتاً توسط رئیس دبیرخانه رسیدگی می‌شود. جلسات کمیته فقهی بسته

[1] Shazad

به نیازهای مؤسسه، معمولاً هفتگی یا ماهانه برگزار می‌شود. جلسات کمیته فقهی حول محور پاسخ به سؤالات و ابهامات درباره مفهوم، ساختار و چهارچوب‌های خدمات و محصولات جدید یا موجود است. اعضای کمیته فقهی کلیه مدارک مربوط را دست‌کم یک هفته قبل از برگزاری جلسه از مؤسسات مالی اسلامی دریافت کرده و به آن‌ها فرصت کافی برای مطالعه و مداقه بر اسناد و مستندات داده می‌شود. تصمیمات نهایی جلسات، به اتفاق آرا اتخاذ و تصویب می‌شود. (حسن: ۲۰۱۱، صص. ۹۵-۹۶)

و- **حسابرسی شرعی:** مؤسسات مالی اسلامی، فرایند حسابرسی شرعی را برای کسب اطمینان از انطباق تمامی معاملات و فعالیت‌های مؤسسه مالی با اصول و موازین شرعی انجام می‌دهند. در بیشتر مؤسسات مالی اسلامی، حسابرسی شرعی توسط حسابرسان داخلی به‌عنوان بخشی از فرایند معمول حسابرسی داخلی یا به‌صورت جداگانه انجام می‌شود. (ملکاوی: ۲۰۱۳، ص. ۵۰۰)

ز- **گزارش شرعی:** کمیته فقهی موظف است گزارش سالانه خود را به هیئت‌مدیره مؤسسات مالی اسلامی ارایه کند. در مرحله بعد، گزارش برای تأیید به مجمع عمومی عادی سالانه ارایه می‌شود. این گزارش سالانه حاوی اطلاعاتی درخصوص وظایف و خدمات ارایه شده به مؤسسات مالی اسلامی مربوط، صدور فتوا، فعالیت‌های کمیته فقهی و اعلامیه انطباق شرعی است. افشای روش‌های حاکمیت شرعی در گزارش‌های سالانه شرکت برای اطمینان از انطباق شرعی ضروری است و عدم افشای کافی برای حفظ اعتماد جامعه به خطر مشروعیت منجر می‌شود. (ازید و النودل: ۲۰۱۹، ص. ۴)

استاندارد شرعی (AAOIFI) نیز مؤسسات مالی اسلامی را ملزم می‌کند تا گزارش شرعی را با رعایت قواعد و رهنمودهای خاصی تهیه کنند. قالب و محتوای گزارش‌های شرعی در مؤسسات مالی اسلامی مختلف، متفاوت است و برخی از کمیته‌های فقهی حتی گزارش‌های سالانه خود را به مجمع ارایه نمی‌دهند. در مجموع، گزارش شرعی به‌عنوان تأیید انطباق اصول شرعی بسیار مهم و عامل مهمی است که به کمک آن عموم مردم و همچنین ذی‌نفعان هر مؤسسه مالی می‌توانند به اطلاعاتی در مورد میزان انطباق شرعی خدمات و محصولات آن مؤسسه دست یابند. (ملکاوی: ۲۰۱۳، ص. ۵۶۲)

چهارچوب‌های حاکمیت و نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی

چهارچوب‌های حاکمیت شرعی، رهنمودهایی برای نظارت و انطباق شرعی کلیه فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی است. هدف اصلی کلیه این چهارچوب‌ها، بهبود کیفیت بررسی شرعی، فرایند

حاکمیت شرعی، پاسخگویی، استقلال ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری است. (عالم[1] و همکاران: ۲۰۱۹، ص. ۱۲۰) تعدد چهارچوب‌های حاکمیت و نظارت شرعی در کشورهای مختلف ممکن است برنامه هماهنگ‌سازی استانداردها در مؤسسات مالی اسلامی را خدشه‌دار سازد. به عقیده گروهی از صاحب‌نظران، تفاوت‌های موجود در تفسیرهای شرعی، مانعی در مسیر هماهنگ‌سازی استانداردهای حاکمیت و نظارت شرعی است. اما همچنین، این تنوع نظرها می‌تواند زمینه نوآوری و انعطاف‌پذیری را در این صنعت فراهم کند. (کنتاکجی[2] و همکاران: ۲۰۱۸، ص. ۱۵۴)

استانداردهای حاکمیتی (AAOIFI) و اصول راهنمای (IFSB) برای بهبود و ایجاد هماهنگی در روش‌های حاکمیت شرعی بسیار مهم است. (حسن: ۲۰۱۱، ص. ۱۱۱) (AAOIFI) برای پاسخ‌دهی به نیازهای مؤسسات مالی اسلامی در زمینه مشاوره شرعی تخصصی و مستقل، به تدوین استانداردهایی در زمینه حاکمیت و نظارت شرعی مؤسسات مالی اسلامی اقدام کرده است. به‌طور کلی، دست‌کم هفت استاندارد توسط این سازمان برای این موضوع تدوین شده که عبارتند از:

۱- هیأت نظارت شرعی: ترکیب، گزارش و انتصاب؛
۲- بررسی شرعی؛
۳- بررسی شرعی داخلی؛
۴- کمیته حسابرسی و حاکمیتی مؤسسات مالی اسلامی؛
۵- استقلال کمیته فقهی؛
۶- بیانیه اصول حاکمیت شرکتی برای مؤسسات مالی اسلامی؛ و
۷- اجرا و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای مؤسسات مالی اسلامی. (میسکم و عبدالله[3]: ۲۰۱۷، ص. ۱۶۵)

همچنین، (IFSB) نیز در سال ۲۰۰۹ اصول راهنمای نظام حاکمیت شرعی را در پنج بخش عرضه کرده که این اصول عبارتند از:

۱- رویکرد عمومی نظام حاکمیت شرعی؛
۲- صلاحیت و شایستگی اعضا؛
۳- استقلال نظام حاکمیت شرعی؛
۴- محرمانه بودن؛ و

[1] Alam
[2] Kantakji
[3] Miskam & Amrullah

۵- ثبات رویه و سازگاری عملکردها. (هیئت خدمات مالی اسلامی: ۲۰۰۹، ص. ۳)

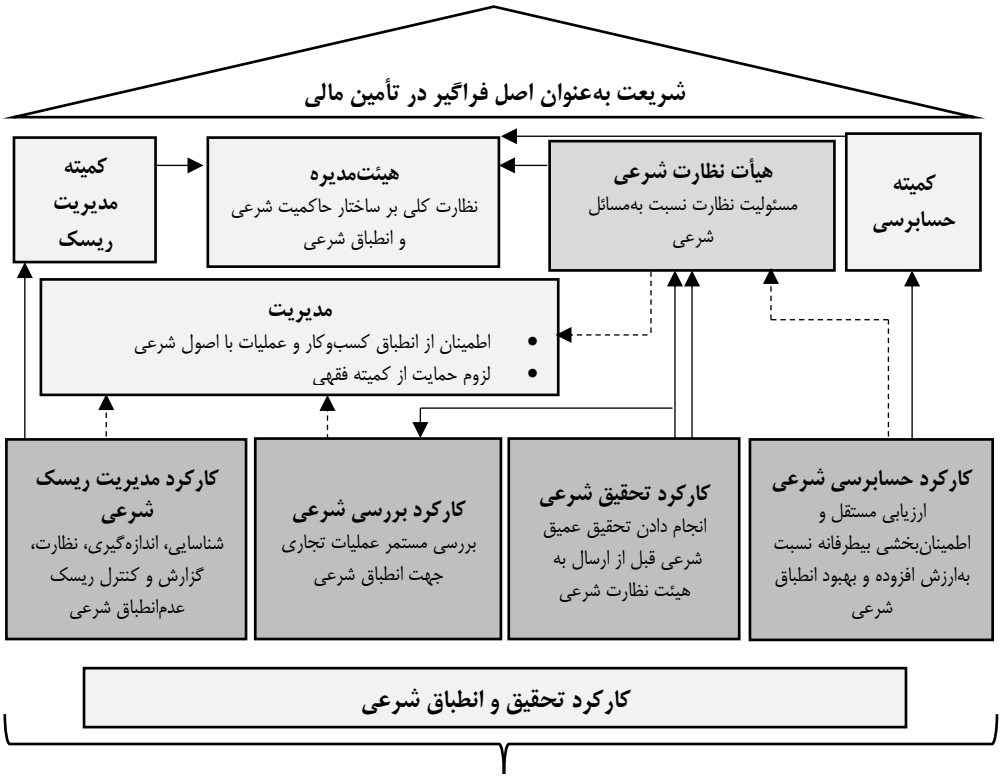
همچنین، این مرکز در سال ۲۰۱۳ قانون خدمات مالی اسلامی را برای بهبود چهارچوب حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی وضع کرد که از آن سال در کشور مالزی قابلیت اجرا دارد. (محمد سوری[1] و همکاران: ۲۰۱۵، ص. ۲)

به‌نظر می‌رسد در میان این اصول و دستور کارهای منتشر شده، ایجاد نهاد یا کمیته نظارت شرعی، اهمیت والایی دارد در حدی که توصیه مشترک (IFSB) و (AAOIFI)، تأسیس دست‌کم یک شورای مشورتی شریعت مستقل در سطح بانک است که بر فرایندهای داخلی بانک‌ها از جنبه شرعی نظارت داشته باشد.

فارغ از توصیه‌ها و استانداردهای دو نهاد بزرگ بین‌المللی مذکور، چندین کشور مانند مالزی چهارچوب مناسبی برای حاکمیت شرعی ارایه داده‌اند تا اطمینان دهند ثبات و توسعه مؤسسات مالی اسلامی از طریق به‌کارگیری نظام حاکمیت شرعی خوب و مؤثر است. (تزیلاها[2] و همکاران: ۲۰۱۷، ص. ۱) در ابتدای سال ۲۰۱۱، بانک مرکزی مالزی چهارچوب حاکمیت شرعی را معرفی کرد که شامل انتظارات از سیستم حاکمیت شرعی مؤسسات مالی اسلامی، فرایندها و سازوکارهای لازم برای حصول اطمینان از انطباق شرعی کلیه فعالیت‌ها و عملیات آن‌ها بود. (تزیلاها و همکاران: ۲۰۱۷، ص. ۱) چهارچوب کلی حاکمیت شرعی دربردارنده بازیگران اصلی، یعنی هیئت‌مدیره، کمیته مدیریت ریسک، کمیته حسابرسی، مدیریت و هیئت نظارت شرعی است که با هدف اطمینان‌دهی رعایت موازین شریعت در اقدامات و معاملات مؤسسات مالی اسلامی به فعالیت می‌پردازند. به‌منظور کسب اطمینان از این‌که این بازیگران به‌درستی به وظایف خود عمل می‌کنند، در این چهارچوب چهار کارکرد شامل مدیریت ریسک شرعی، بررسی شرعی، تحقیق شرعی و حسابرسی شرعی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. (شکل شماره ۱)

[1] Muhamad Sori
[2] Tazilaha

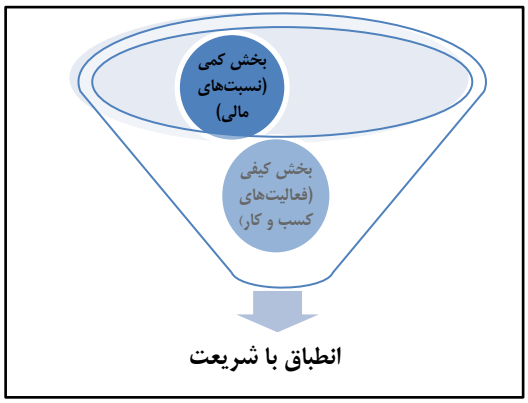
شکل شماره ۱: چهارچوب حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی (محمد سوری، ۲۰۱۵)



همچنین، شاخصه‌های چهارچوب حاکمیت شرعی برای انطباق با شریعت از دو بخش کیفی و کمی تشکیل می‌شوند (شکل شماره ۲) بخش کیفی شامل رعایت موازین شرعی در فعالیت‌های کسب و کار و بخش کمّی رعایت نسبت‌های مالی مطابق با موازین شرعی[۱].

[۱] در برخی از کشورهای اسلامی مطابق با مبانی فقه اهل سنت، از قاعده غلبیت استفاده می‌شود. بدین معنا که اگر نسبت موارد ممنوعه از کل موارد تحقق یافته از یک درصد و کمتر باشد، بنا به قاعده غلبیت، آن شاخصه منطبق با شریعت قلمداد می‌شود.

شکل شماره ۲: شاخصه‌های چهارچوب حاکمیت شرعی برای انطباق با شریعت (برگرفته از آیده[1] و همکاران: ۲۰۱۹، ص. ۱۶۰)



شیوه عملیاتی حاکمیت و نظارت شرعی در نمونه‌ای از بانک‌های اسلامی جهان

مرور تجارب بین‌المللی حاکی از این نکته است که بسیاری از کشورهای اسلامی در پاسخ به نیاز مؤسسات مالی اسلامی به برقراری چهارچوب حاکمیت شرعی و نهاد نظارت شرعی اقدام کرده‌اند. به‌نحوی که به‌نظر می‌رسد نبود این چهارچوب، مانعی بر سر راه توسعه نظام حاکمیت شرعی جامع، یکپارچه و بین‌المللی می‌شود. (یودین: ۲۰۱۵، ص. ۳۵)

در کل می‌توان چنین اذعان داشت که نبود چهارچوب جامع و واحد، بدان منجر شده که روش‌ها و الگوهای متنوعی از حاکمیت و نظارت شرعی در کشورهای مختلف اجرایی شود که معمولاً هر یک براساس نیازها، شرایط، ظرفیت‌ها و تجارب کشورها، متفاوت از همدیگر هستند. در بعضی از کشورها مداخله‌ی نهادهای نظارتی بیشتر است و چهارچوب قانونی جامعی برای نظارت و اجرای روش‌های شرعی در هر دو سطح ملی و سازمانی تدوین شده است. برخی دیگر از کشورها به دخالت کمتر نهادهای نظارتی علاقه‌مندند و چهارچوب قانونی حاکمیت شرعی را فقط در سطح سازمانی تصویب کرده‌اند. کشورهای دیگر نیز ترجیح داده‌اند که مقررات خاصی را برای روش‌های حاکمیت شرعی ارایه ندهند و آن را به اقدامات داوطلبانه مؤسسات مالی اسلامی و تأثیر بازار محول کنند. اغلب فرایندهای نظارت شرعی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با کشورهای آسیای جنوب شرقی متفاوت است. به‌علاوه، سیستم نظارت شرعی برای مؤسسات مالی اسلامی در

[1] Ayedh

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است که ماحصل این تفاوت‌ها بروز مسائل و چالش‌های جدیدی برای نظام حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی است. (بابایی، حسینی و قلیچ: ۱۴۰۰، ص. ۲۰۱) شاید به‌نحو خلاصه بتوان چنین گفت که در کشور بحرین، چهارچوب قانونی جامعی برای نظارت شرعی در سطح ملی و در سطح مؤسسات تدوین شده است. قطر، امارات متحده عربی و کویت نیز چهارچوب قانونی برای نظارت شرعی را تنها در سطح مؤسسات تصویب کرده‌اند. در عربستان سعودی نیز مقررات خاصی برای نظارت بر روش‌های شرعی وجود ندارد و اجرای سیستم نظارت شرعی به ابتکار داوطلبانه مؤسسات مالی اسلامی و تأثیر بازار بستگی دارد.

در میان کشورهای اسلامی در زمینه نظارت شرعی، پاکستان به‌عنوان کشوری با رویکرد مداخله‌گرایانه[1] و عربستان با رویکرد منفعلانه[2] شناخته می‌شوند. از این‌رو در ادامه، به تبیین سازوکار نظارت شرعی در بانک میزان[3] پاکستان و بانک الرجحی[4] عربستان به‌عنوان دو بانک بزرگ اسلامی جهان می‌پردازیم.

بانک میزان پاکستان

بانکداری در کشور پاکستان به‌طور رسمی در سال ۱۹۴۷ و دقیقاً پس از استقلال این کشور از بریتانیا شروع به‌کار کرده است. از حوالی سال ۱۹۷۹، فرایند اسلامی شدن بانک‌های این کشور به‌تدریج آغاز شد. در سال ۱۹۸۵، نظام بانکداری پاکستان به‌شکل رسمی، تمام اسلامی اعلام شد. اما عدم اجرای کامل و رضایت‌بخش اصول بانکداری اسلامی موجب شد مسئولان قانونی این کشور در سال ۲۰۰۱ به‌شکل رسمی از نظام بانکداری اسلامی یکپارچه به‌سمت نظام بانکداری دوگانه تغییر مسیر دهند تا این بار بانک‌های غیراسلامی و اسلامی در کنار هم مشغول به‌فعالیت باشند.

بانک مرکزی پاکستان[5] (SBP) همانند بانک نگارا مالزی یا بانک مرکزی سودان از کمیته‌های شریعت در ساختار خود بهره می‌برد. همچنین، این بانک در راستای توجه بهتر به بانکداری اسلامی، سومین برنامه پنجساله استراتژیک صنعت بانکداری اسلامی خود را برای سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ با

[1] Interventionist Approach
[2] Passive Approach
[3] Meezan Bank
[4] Al-Rajhi Bank
[5] State Bank of Pakistan (SBP)

هدف توسعه سهم سپرده‌ها و دارایی‌های بانک‌های اسلامی به حداقل ۳۰ درصد از کل صنعت بانکداری کشور اعلام کرده است.

بانک مرکزی پاکستان در ژوئن ۲۰۲۱ در دستورالعملی خطاب به بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارفی که شعب اسلامی دارند، اعلام کرد که هیئت‌مدیره و مدیران ارشد تمامی این مؤسسات باید نسبت به ریسک عدم انطباق با شریعت (SNCR)[1] در فعالیت‌ها، عملیات و ارایه خدمات و محصولات خود حساس باشند. همچنین، طبق این دستورالعمل، هیئت‌مدیره بانک‌های اسلامی باید زیرکمیته‌ای برای رصد، نظارت و مراقبت از نزدیک بر این ریسک ایجاد کنند. همچنین، ضروری است کلیه مدیران ارشد یا اعضای مرتبط هیئت‌مدیره این دسته از مؤسسات، اطلاعات و دانش مورد نیاز مربوط به ریسک عدم انطباق با شریعت (SNCR) را کسب کنند.

دستورالعمل‌های بانک مرکزی پاکستان متوجه این نکته است که مبنا و مرجع اصلی شناسایی ریسک عدم انطباق با شریعت (SNCR)، اصول و قوانین شریعت شامل استانداردهای شرعی برگرفته از هیئت شرعی بانک‌های اسلامی است. البته، دیدگاه‌ها و اختلاف‌نظرهای اداره‌های انطباق با شریعت (SCD)[2] و واحدهای داخلی حسابرسی شرعی (ISAU)[3] نیز در این زمینه اثرگذار است.

نکته مهم این است که از سال ۲۰۰۱ به بعد و همزمان با تغییر نظام بانکی در کشور پاکستان، بانک مرکزی این کشور تنها به بانک‌هایی جواز استفاده از عنوان «بانک اسلامی» را می‌دهد که به اجرای کامل اصول و موازین مشخصی متعهد باشند. نخستین بانکی که توانست این اصول و موازین را اجرایی کند، «بانک میزان» بود. این بانک که عملاً فعالیت‌های خود را به‌عنوان بانک تجاری اسلامی در سال ۲۰۰۲ آغاز کرده[4]، در سال ۲۰۰۴، سازمان بانکداری اختصاصی اسلامی (IBD) را با ترکیب بخش اقتصاد اسلامی و تحقیقات و بخش بانکداری اسلامی تأسیس کرد. در این زمان، دولت این کشور امکان انتشار نخستین صکوک بین‌المللی به‌ارزشی معادل ۵۰۰ میلیون دلار را به این بانک اعطا کرد.

چشم‌انداز این بانک، «ایجاد بانکداری اسلامی به‌عنوان انتخاب اول برای اجرای نظام عادلانه اقتصادی که برای جامعه عدالت‌محور انسانی ضروری است» اعلام شده است. همچنین، مأموریت

---

[1] Shari’ah Non-Compliance Risk (SNCR)

[2] Shari’ah Compliance Department (SCD)

[3] Internal Shari’ah Audit Unit

[4] لازم است اشاره شود که نام قدیم این بانک، «بانک سرمایه‌گذاری المیزان» بود که طی حکم بانک مرکزی پاکستان از سال ۱۹۹۷ شروع به‌کار کرده بود. این بانک در سال ۲۰۰۲ با تغییر نام به«بانک میزان» به‌عنوان بانک تجاری اسلامی به‌کار خود ادامه داده است.

این بانک «ارایه محصولات نوآورانه جهت نیل به یک بانک ممتاز اسلامی و ایجاد ارزش افزوده محصولات و خدمات مطابق با شریعت مقدس اسلامی به مشتریان با کمک از فرهنگ سازمانی مبتنی بر عدالت، انصاف و احترام نهادن به سرمایه‌گذاران و حفظ و صیانت از ارزش‌های انفرادی مدنظر بانک» عنوان شده است. (تارنمای بانک میزان پاکستان)

بانک میزان در بین بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی پاکستان، بانکی پیشقدم و پیش‌رو در نظام دوگانه بانکداری این کشور به‌حساب می‌آید. در حال حاضر، این بانک انواع خدمات و محصولات مالی اسلامی را به مشتریان خود ارایه می‌دهد. در بخش تجهیز منابع، بانک میزان پاکستان حسابجاری را بر پایه قرض بدون بهره و حساب پس‌انداز را مبتنی بر عقد مضاربه برای مشتریان افتتاح می‌کند. همچنین، عموم حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک میزان در سررسیدهای مختلف و براساس عقد مضاربه با اعلام زودهنگام نرخ سود انتظاری به مشتریان است. علاوه بر این، اوراق مضاربه ماهانه نیز برای سررسیدهای کوتاه‌مدت عرضه می‌شود. لازم است اشاره شود که بانک میزان، حساب پس‌انداز ویژه‌ای با عنوان «حساب لبیک» دارد که به‌نوعی حسابی بلندمدت (شش‌ماه تا ۲۰ سال) به‌شمار آمده و دارنده آن افزون بر سود ماهانه، امکان سفر حج به سرزمین وحی را نیز به‌دست می‌آورد. امکان افتتاح این حساب برای عموم مشتریان، به‌نحو انفرادی یا به‌نحو خانوادگی فراهم است.

در سمت دیگر و در بخش تخصیص منابع، غالباً از عقود مبادله‌ای مانند مرابحه، استصناع و اجاره استفاده می‌شود که البته سهم عقد مرابحه نسبت به عقود دیگر بزرگ‌تر و برجسته‌تر است. همچنین در این بانک، در کنار تسهیلات مبادله‌ای از تسهیلات مبتنی بر عقد مشارکت کاهنده نیز استفاده می‌شود. در بخش ارایه خدمات بانکی نیز بانکداری ویژه بانوان، مدیریت دارایی (کفالت) و بیمه اسلامی (تکافل) جزء خدمات مشهور این بانک به‌شمار می‌رود. (تارنمای بانک میزان پاکستان)

از خدمات مهم و برجسته بانک میزان پاکستان، ارایه خدمات مشاوره مالی اسلامی است. هدف از این خدمات، انتقال تجارب موفق به مؤسسات مالی و بانک‌های اسلامی برای اجرای بهتر بانکداری اسلامی بوده و با هدایت هیئت نظارت شرعی بانک انجام می‌پذیرد. این مشاوره در چند قالب عمده همچون مشاوره مالی اسلامی برای تأمین مالی و انتشار صکوک در بازار سرمایه، مشاوره مالی اسلامی جهت فعالیت در بازار املاک و مستغلات، مشاوره مالی اسلامی به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و ارایه خدمات مشاوره‌ای–آموزشی به نهادها و بانک‌های متقاضی صورت می‌گیرد.

بانک میزان به‌عنوان یک بانک اسلامی همواره بر رعایت موازین شریعت در کلیه فعالیت‌ها و عملیات بانکی خود مراقبت و نظارت دارد. بنا به حساسیت بانک مرکزی پاکستان نسبت به ریسک

عدم انطباق با شریعت (SNCR) در بانک‌های اسلامی این کشور و براساس دستورالعمل ژوئن ۲۰۲۱، بانک میزان همانند سایر بانک‌های اسلامی این کشور موظف شده به‌نحو فصلی و با مهلت ۱۵روز پس از پایان هر فصل، گزارشی از زیان‌های بالقوه و تحقق یافته ناشی از ریسک عدم انطباق با شریعت را که بانک متحمل شده، برای بانک مرکزی پاکستان ارسال کنند. (تارنمای بانک مرکزی پاکستان)

بانک مرکزی پاکستان «چهارچوب حکمرانی شرعی برای مؤسسات بانکداری اسلامی[1]» (به‌روز شده ژوئن ۲۰۱۸) را به‌تمام بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف دارای شعب اسلامی ابلاغ کرده است. براساس این چهارچوب، بانک میزان به مانند هر یک از بانک‌های اسلامی دیگر باید یک هیئت شرعی با دست‌کم سه فقیه دارای شرایط لازم، منتخب هیئت‌مدیره بانک داشته باشند. البته، برای تقویت هیئت شرعی، حضور اقتصاددانان، حسابداران، حقوقدانان و سایر متخصصان مرتبط با موضوع، بدون حق رأی در جلسات این هیئت بلامانع است.

اعضای هیئت شرعی از بین افراد واجد شرایط از حیث علمی، اخلاقی و تجربی و بدون داشتن سابقه کیفری برای دوره سه ساله منصوب می‌شوند و می‌توانند دست‌کم دو ماه قبل از اتمام دوره خود، تمدید این عضویت را برای یک دوره دیگر درخواست کنند. چنانچه بانک میزان نخواهد با تمدید عضویت هر یک از اعضا در هیئت شرعی خود موافقت کند، باید این تصمیم را با ادله و مستندات منطقی، دست‌کم سه ماه قبل از پایان دوره عضویت به اطلاع دپارتمان بانکداری اسلامی بانک مرکزی پاکستان برساند. اعضای هیئت شرعی به حفظ اصول امانتداری و رازداری نسبت به مستندات و قراردادهای مورد بررسی در هیئت شرعی ملزمند. فراهم‌سازی شرکت اعضای هیئت شرعی در نشست‌ها و میزگردهای علمی داخلی و خارجی با هدف رشد و توسعه دانش اعضا از دیگر اقدامات بانک میزان به‌حساب می‌آید.

اعضای هیئت شرعی به دو دسته مستقر و غیرمستقر تقسیم می‌شوند. اعضای مستقر کسانی هستند که به‌صورت دائم در خدمت بانک قرار دارند و حق ندارند برای بانک اسلامی دیگری کار کنند یا در استخدام آن باشند. همچنین، این اعضا حق داشتن پست اجرایی یا دائمی در مؤسسه یا سازمانی (غیر از خود بانک) را ندارند اما می‌توانند در حداکثر دو هیئت شرعی بانک دیگر عضویت داشته باشند. سایر اعضایی که این ویژگی را ندارند به‌عنوان عضو غیرمستقر به‌حساب می‌آیند.

نکته مهم آن است که براساس این چهارچوب ابلاغی، اجرای کلیه تصمیم‌ها و مصوبات هیئت شرعی بانک میزان برای ارکان مختلف بانک الزام‌آور و اجباری است و کلیه خدمات و محصولات

[1] Shari’ah Governance Framework (SGF) for Islamic Banking Institutions (IBIs)

جدید بانک نیز پیش از اجرا (و حتی پیشنهاددهی به بانک) باید به تأیید و تصویب هیئت شرعی رسیده باشد. کلیه بررسی و ادله اعضا برای تأیید یا عدم تأیید یک محصول یا خدمت بانکی جهت درج سوابق، ضبط و مستندسازی می‌شود.

گزارش‌های حسابرسان داخلی و خارجی بانک و گزارش کمیته‌های اجرایی بازرسی انطباق با شریعت برای بررسی و نظردهی به هیئت شرعی بانک میزان ارسال می‌شود. هیئت شرعی بانک میزان در هر زمان جواز تغییر، اصلاح و تعدیل مصوبات خود را بنا به تغییر شرایط دارد. هیئت شرعی موظف به انجام دادن مسئولیت‌های خود به‌نحو مستقیم و بلاواسطه است و امکان تفویض و توکیل مسئولیت خود را به‌افراد دیگر ندارد.

هیئت شرعی باید افزون بر جلسات با هیئت‌مدیره بانک، دست‌کم هر سه‌ماه یک‌بار تشکیل جلسه دهد و حضور اعضا در دو سوم این جلسات طی یک سال الزامی است. علاوه بر این جلسات الزامی فصلی، رئیس هیئت شرعی می‌تواند بنا به ضرورت و پیشامد خاص، جلسات مازادی را نیز تشکیل دهد. حد نصاب رسمیت جلسات هیئت شرعی، حضور دو سوم اعضای فقهی هیئت است. مصوبات هیئت شرعی از طریق اجماع اعضای فقهی هیئت پدید می‌آید. چنانچه بین این اعضا اختلاف‌نظر وجود داشته باشد و اجماع حاصل نشود، رأی اکثریت برای تصویب مصوبه‌ای کفایت می‌کند. در صورت تساوی آرا، نظر رئیس هیئت شرعی ملاک تصمیم قرار خواهد گرفت. در صورت غیبت رئیس هیئت شرعی در جلسه، یکی از اعضای فقهی غیرمستقر هیئت عهده‌دار ریاست جلسه خواهد شد.

دستور جلسات هیئت شرعی همراه با مستندات و جزئیات، پیش از جلسه برای مطالعه و آمادگی اعضا ارسال می‌شود. جلسات به‌نحو حضوری برگزار می‌شود و تنها در پیشامدهای خاص با نظر رئیس هیئت به‌شکل ویدئو کنفرانسی، مشروط به ضبط و ثبت جلسه، قابلیت برگزاری دارد. صورتجلسات هیئت شرعی توسط تمامی اعضای حاضر در جلسه به امضا می‌رسد و یک نسخه رونوشت به هر یک از اعضا تحویل داده می‌شود. ضرورت دارد حداکثر تا ۱۵ روز پس از تصویب مصوبات، یک نسخه از صورتجلسه به دپارتمان بانکداری اسلامی بانک مرکزی پاکستان نیز ارسال شود. همچنین، ضرورت دارد کلیه صورتجلسات هیئت شرعی در دسترس هیئت‌مدیره بانک میزان، گروه بازرسی بانک مرکزی پاکستان و حسابرسان داخلی و خارجی قرار داشته باشد.

مطلب بعدی آنکه هیئت شرعی بانک میزان یک هیئت شرعی مستقل به‌حساب می‌آید. وظایف و مسئولیت‌های هیئت شرعی در همان بدو انتصاب اعضای هیئت به اطلاع آنان می‌رسد و موافقت

ایشان با این ساختار کسب می‌شود. همچنین، اعضای هیئت شرعی مسئولیتی در قبال فعالیت‌های اجرایی یا عملکردهای مدیریتی بانک برعهده ندارند.

اداره توسعه محصول و انطباق با شریعت (PDSC)[1] بانک میزان، تحت نظارت و هدایت هیئت شرعی این بانک قرار دارد و به‌عنوان بازوی عملیاتی، به این هیئت گزارش می‌دهد. همچنین، گزارش‌های اداری رئیس این اداره می‌تواند به مدیر اجرایی بانک نیز ارسال شود. این اداره، مسئول دبیرخانه هیئت شرعی، توسعه محصولات خرد، مدیریت خیرات و صدقات[2]، کانال ارتباطی مدیریت و هیئت شرعی بانک، بررسی انطباق فعالیت‌ها با شریعت، ارسال گزارش‌های حسابرسی شرعی (داخلی و خارجی) به هیئت شرعی، آموزش واحدهای منابع انسانی درخصوص موازین انطباق با شریعت (دوره‌های یکروزه تا چهارماهه) و سایر فعالیت‌های مرتبط و لازم است. در این میان، بررسی انطباق فعالیت‌ها با شریعت به‌معنای حصول اطمینان از انطباق کامل عملیات بانک با موازین شریعت و مصوبات هیئت شرعی بانک است. افزون بر این، اداره انطباق با شریعت، عهده‌دار تحقیقات و مطالعات لازم برای مباحث شرعی تحت‌نظر و هدایت هیئت شرعی است. همچنین، این اداره مسئول شناسایی میزان توزیع سود و زیان بین سپرده‌گذاران نیز هست.

درخصوص مسئولیت دبیرخانه‌ای این اداره باید گفت که این اداره وظیفه دارد محتوای دبیرخانه‌ای لازم برای جلسات هیئت شرعی همچون دستور جلسات، طرح‌های پیشنهادی (پروپوزال)، کاربرگ‌های گردش کار و ... را پیش از جلسات هیئت آماده کند. همچنین، دبیرخانه نسبت به ثبت و ضبط کلیه مستندات، استدلال‌ها، تصمیم‌ها و صورتجلسات این هیئت موظف است. (تارنمای بانک میزان؛ بانک مرکزی پاکستان: ۲۰۱۸، صص. ۸-۳)

همچنین، بانک میزان جهت انطباق فعالیت‌ها با شریعت از واحد داخلی حسابرسی شرعی (ISAU) بهره می‌برد. حسابرسان این واحد از بین افراد متخصص و با دانش انتخاب می‌شوند. همچنین، گرچه عملیات کار حسابرسی شرعی و حسابرسی سایر قوانین و دستورالعمل‌های بانک مشابهت‌هایی با هم دارند، اما نیروی انسانی واحد داخلی حسابرسی شرعی صرفاً به‌همین واحد تخصیص داده می‌شود و در بخش‌های دیگر حسابرسی بانک مشغول نخواهند بود. نکته دیگر این‌که اندازه، روش‌شناسی،

[1] Product Development and Shari'a Compliance (PDSC)

[2] این مسئولیت توسط صندوقی به‌نام صندوق احسان انجام می‌شود. خیرات و صدقات از دو منبع مشتریان و سایر بانک‌ها و مؤسسات اسلامی جمع‌آوری شده و صرف اعطای وام‌های قرض‌الحسنه یا خرید تجهیزات مورد نیاز برای بهبود وضعیت بهداشت، سلامت و آموزش قشرهای ضعیف جامعه می‌شود.

قالب و شیوه کار و گزارش‌های واحد حسابرسی شرعی توسط هیئت شرعی بانک تعیین و اعلام می‌شود. گزارش‌های این واحد مستقیماً برای هیئت شرعی بانک ارسال می‌شود مانند گزارش‌های لازمی که این واحد باید به هیئت شرعی تقدیم کند و گزارش فصلی وضعیت توزیع سود و زیان سپرده‌گذاران توسط بانک. اهمیت این گزارش از حیث رعایت قواعد شرعی بوده و هیئت شرعی نسبت به این نوع گزارش‌های واحد حسابرسی حساسیت بالایی دارد. این در حالی است که قوانین، راهبردها و دستورالعمل‌های واحد خارجی حسابرسی شرعی[1] توسط بانک مرکزی پاکستان و (AAOIFI) تعیین می‌شود که البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که این قوانین و دستورالعمل‌ها با مشورت خبرگان حسابرسی، نیاز به بازبینی و اصلاح دارد. (شهزاد و همکاران: ۲۰۲۱، ص. ۱۶) همچنین، اعضای هیئت شرعی بانک اجازه ندارند که در شرکت‌های حسابرسی خارجی مشغول به فعالیت شوند.

شایان ذکر است، اختلاف‌نظر بین بانک میزان و گروه بازرسی بانک مرکزی پاکستان یا هر بخش دیگر این بانک درخصوص تأیید شرعی محصولات، خدمات، قراردادها و معاملات بانک میزان برای تعیین‌تکلیف به واحد بانکداری اسلامی بانک مرکزی پاکستان ارجاع می‌شود. همچنین، در صورت بروز اختلاف‌نظر بین بانک میزان و واحد بانکداری اسلامی بانک مرکزی پاکستان در خصوص این تأیید شرعی، اختلاف مذکور به‌کمیته‌ی مشورتی شریعت بانک مرکزی پاکستان ارجاع می‌شود. (تارنمای بانک میزان؛ بانک مرکزی پاکستان: ۲۰۱۸، صص. ۱۲-۸)

بنا به‌اعلام تارنمای بانک میزان، این بانک شاخصه‌هایی برای رصد شرعی مشخص کرده که برای نمونه می‌توان به‌موارد زیر اشاره کرد.

- سرمایه‌گذاری در شرکت‌های معامله‌گر با بانک‌ها، لیزینگ‌ها و بیمه‌های متعارف و ربوی، شرکت‌های تولید و توزیع‌کننده نوشیدنی‌های الکلی و گوشت خوک، مروج قمار و موارد غیراخلاقی مجاز نیست.
- نسبت بدهی با بهره به کل دارایی باید کمتر از ۳۷ درصد باشد (جهت رعایت قاعده غلبیت حداکثر به حداقل).
- نسبت سرمایه‌گذاری غیرمنطبق با اصول شریعت به کل دارایی باید کمتر از ۳۳ درصد باشد. این سرمایه‌گذاری شامل سرمایه‌گذاری در صندوق‌های وجوه مشترک متعارف، ابزارهای متعارف بازار پول، سپرده‌های بانک‌های ربوی، اوراق مشتقه‌ی متعارف و ... است.

[1] External Shari’ah Audit

- نسبت درآمد غیرمنطبق با اصول شریعت به‌کل درآمد باید کمتر از ۵ درصد باشد. این درآمد شامل درآمد حاصل از قمار، معاملات ربوی، معاملات غرری، جریمه تأخیر تأدیه مطالبات فروش اعتباری، درآمدهای حاصل از کسب‌وکارهای غیراخلاقی و ... است.
- نسبت دارایی‌های غیرنقد به کل دارایی‌ها باید کمتر از ۲۵ درصد باشد. موجودی انبار مواد اولیه و خام، کالاهای در حال ساخت و سایر دارایی‌های ثابت در این دسته قرار می‌گیرند.

بانک الرجحی عربستان

تأسیس سازمان پولی عربستان سعودی[1] (ساما) در سال ۱۹۵۲ در نقش بانک مرکزی، نقطه عطفی در نظام بانکداری این کشور به‌حساب می‌آید. این سازمان، افزون بر قانونگذاری، مسئولیت نظارت و مراقبت از کفایت سرمایه و سلامت شبکه بانکی عربستان را نیز برعهده دارد. این در حالتی است که نظام بانکداری عربستان از هر دو نوع بانکداری متعارف و اسلامی در کنار هم برخوردار است.

عربستان سعودی پس از ایران، بالاترین سهم دارایی‌های منطبق با شریعت اسلامی را به‌خود اختصاص داده و از این حیث در پژوهش‌های حوزه بانکداری اسلامی، مورد مطالعاتی مهمی به‌شمار می‌رود. در بانک‌های اسلامی عربستان، غالب عملیات و خدمات بانکی مبتنی بر موازین و اصول شریعت اسلامی و عمدتاً با استفاده از عقود اجاره، استصناع و مرابحه انجام می‌گیرد که البته تسهیم سود و زیان بخش دیگری از فعالیت این دسته از بانک‌ها را شکل می‌دهد.

برخلاف کشورهای اسلامی جنوب شرق آسیا همچون کشور مالزی، در عربستان سعودی و در سازمان پولی عربستان سعودی (ساما) با یک رویکرد منفعلانه، هیچ هیئت فقهی مرکزی مجزایی برای نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی وجود ندارد و با هدف توسعه آزادی و رقابت مؤسسات مالی، رصد و انطباق صحت شرعی فعالیت این مجموعه‌ها به خود مؤسسات واگذار شده است. البته این اختیار عمل دادن به مؤسسات مالی، اختلاف‌نظرهایی را هم در عملیات و انطباق بانک‌ها به‌وجود آورده است. (شمرانی و سعید[2]: ۲۰۱۴، ص. ۲) به‌عبارتی، می‌توان چنین گفت که در مقایسه با کشورهایی همچون مالزی، عربستان از اجبار کمتری در موضوع نظارت شرعی برخوردار است و نظارت شرعی در این کشور به‌نحو اختیاری و در سطح بانک‌ها اجرا می‌شود که البته با استقبال بانک‌ها مواجه شده و در حال حاضر تمام بانک‌های محلی این کشور از هیئت شرعی برخوردارند.

[1] Saudi Arabian Monetary Agency (SAMA)
[2] Shamrani & Saeed

افزون بر این، مقایسه کشور عربستان با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) نیز نشان می‌دهد که عموم کشورهای عضو این شورا برخلاف عربستان، اختیارات مربوط به تصمیم‌گیری در مسائل شرعی را در سطح ملی به نهادهای دولتی مانند وزارت اوقاف یا وزارت عدلیه و امور اسلامی واگذار کرده‌اند. قطر، امارات متحده عربی و کویت، چهارچوب قانونی برای نظارت شرعی را تنها در سطح نهادی تصویب کرده‌اند. اما در مواردی هم مانند کشور بحرین، نظارت شرعی در دو سطح ملی و نهادی جریان دارد که شورای ملی شرعی در سطح بانک مرکزی فعالیت می‌کند. این در حالی است که همان‌طور که بیان شد در کشور عربستان سعودی، مقررات خاصی برای نظارت بر روش‌های شرعی وجود ندارد و اجرای فرایندهای نظارت شرعی به ابتکار داوطلبانه مؤسسات مالی اسلامی یا بانک‌های اسلامی بستگی دارد.

نکته حائز توجه آن است که هیئت‌های شرعی مستقل در شبکه بانکی عربستان، عموماً از اختیارات حقوقی خوبی برخوردارند. همچنین به‌نحو متقابل، وظایف و مسئولیت‌های این هیئت‌ها نیز قابل توجه بوده و شامل مواردی چون فعالیت‌های نظارتی، مشورتی و گاهی اجرایی می‌شود. منظور از فعالیت‌های اجرایی هیئت‌های شرعی مستقل، اعمال دخالت و جلوگیری از رخداد عملیات یا به‌کارگیری ابزارهایی است که صریحاً مخالف قواعد شریعت اسلامی هستند. اعضای این هیئت‌ها توسط مجمع عمومی مؤسسات مالی انتخاب می‌شوند و در شاخه‌های فقه اقتصادی متبحر و متخصص بوده و از علوم بانکی به‌قدر کافی نیز سررشته دارند.

از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بانک‌های کشور عربستان، بانک الرجحی است. این بانک که از معدود بانک‌های تمام اسلامی عربستان است (حسن و همکاران: ۲۰۲۱، ص. ۱۵) در ابتدا و از سال ۱۹۷۵ میلادی در قالب شرکت سرمایه‌گذاری و بانکداری الرجحی شروع به فعالیت کرد. پس از سه دهه فعالیت، در فوریه سال ۲۰۰۶ این شرکت به بانک الرجحی تغییر نام داد. امروزه، بانک الرجحی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های اسلامی جهان شناخته می‌شود و دفتر مرکزی آن در شهر ریاض عربستان قرار دارد.

در سال ۲۰۰۶ با تأسیس شعبه‌ای از این بانک در کشور مالزی، این بانک به‌سمت بانکداری بین‌المللی حرکت کرد. این حرکت در سال ۲۰۱۰ با ایجاد ارتباطات منطقه‌ای و افتتاح دفتر ملی و شعب مجزا به تفکیک جنسیتی در کشور کویت و نیز در سال ۲۰۱۱ با تأسیس دفتر ملی و شعبی در کشور اردن، توسعه بیشتری یافت.

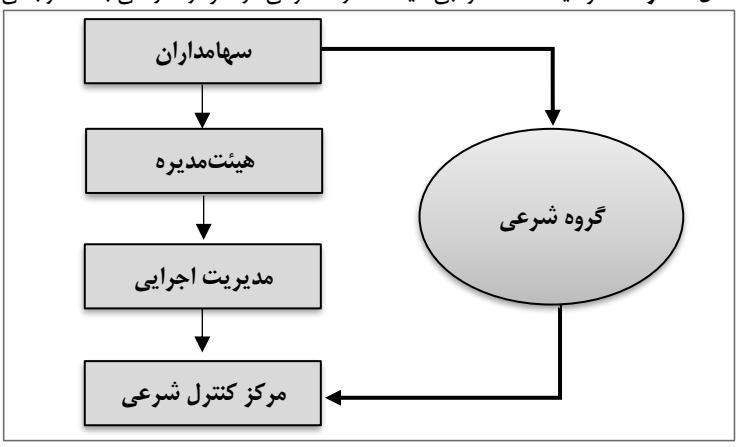
نکته قابل توجه این است که در سال ۱۹۸۳ سازمان پولی عربستان سعودی درخواست بانک الرجحی برای دریافت گواهی نخستین بانک اسلامی در عربستان سعودی را نپذیرفت. چرا که استدلال این سازمان

بر این بود که پذیرش این درخواست به‌مفهوم این است که سایر بانک‌های این کشور فعالیت خلاف شریعت اسلامی دارند. اما به هر روی با پیگیری‌های فراوان این بانک، سرانجام در سال ۱۹۸۸ این گواهی برای بانک الرجحی صادر شد مشروط به این‌که این بانک در نام خود از عنوان اسلامی استفاده نکند!

عملکرد بانک الرجحی در مقایسه با عموم بانک‌های اسلامی، وضعیت درخشانی را نشان می‌دهد. براساس گزارش جدید رتبه‌بندی مؤسسه بنکر آسیایی[1] (۲۰۲۱)، بانک الرجحی عربستان سعودی موفق شد موقعیت خود به‌عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین بانک اسلامی جهان را حفظ کند.

اما از لحاظ سازمانی، وجه تمایز غالب مؤسسات مالی اسلامی با سایر مؤسسات مالی در این است که کنترل مؤسسات مالی اسلامی توسط دو گروه مختلف هیئت‌مدیره و گروه شرعی صورت می‌گیرد. نقش هیئت‌مدیره در مؤسسات مالی اسلامی تقریباً مشابه نقش آن در سایر مؤسسات مالی است، در صورتی که گروه شرعی نقش ویژه و منحصر به فردی در مؤسسات مالی اسلامی دارد. اگر گروه شرعی در همان سطح هیئت‌مدیره باشد، در این صورت هیئت‌مدیره یا مدیریت قادر نخواهد محدودیت‌هایی را بر گروه شرعی تحمیل کند. این موقعیت برای بانک الرجحی عربستان وجود دارد. (شکل شماره ۳) تجربه بانک الرجحی عربستان نشان‌دهنده آن است که گروه شرعی در این بانک نقش فعالی دارد و این گروه به‌نحو مستقیم با نظر سهامداران بانک و از طریق مجمع عمومی، ایجاد می‌شود. یادآور می‌شود که تأسیس گروه شرعی در بانک الرجحی در سال ۱۹۷۷ میلادی و در یازدهمین مجمع عمومی این بانک، مصوب شده است.

شکل شماره ۳: موقعیت سلسله‌مراتبی هیئت نظارت شرعی در نمودار سازمانی بانک الرجحی



[1] The Asian Banker

گروه شرعی یکی از محورهای بنیادی در عملیات بانک الرجحی به‌حساب می‌آید. چرا که این گروه سعی دارد با مراقبت کامل از انطباق کلیه فعالیت‌های بانک با اصول و موازین شریعت، به یک بانک پیشرو در بانکداری اسلامی تبدیل شود. بنا به اعلام تارنمای بانک الرجحی، هدف گروه شرعی در چهار دسته خلاصه می‌شود:

– مرور معاملات و فعالیت‌های بانک؛

– ارسال گزارش به هیئت شرعی بانک؛

– رصد اجرای تصمیم‌های هیئت شرعی؛

– توسعه قراردادها و محصولات جاری مطابق با اصول اسلامی.

هیئت شرعی بانک الرجحی، نهادی ذیل گروه شرعی است که کاملاً از سایر بخش‌های بانک حتی هیئت‌مدیره مستقل است. این استقلال یک استاندارد مهم برای تضمین کیفیت کار این هیئت به‌حساب می‌آید. دامنه فعالیت این هیئت در حدی است که اطمینان حاصل شود که تمام فعالیت‌ها و معاملات بانک الرجحی مطابق با قوانین شریعت است. یادآور می‌شود که از زمان تشکیل هیئت شرعی در بانک، ۱۰۹۳ تصمیم درباره قالب قراردادها، توافق‌ها و خدمات و فعالیت‌های بانک اتخاذ شده است. (تارنمای بانک الرجحی)

مهم‌ترین مسئولیت‌های هیئت شرعی بانک الرجحی عربستان شامل موارد زیر است: (تارنمای بانک الرجحی)

– نظارت و انطباق مستمر معاملات و عملیات بانک با اصول شریعت اسلامی؛

– گسترش خدمات و محصولات منطبق بر شریعت اسلامی که در بازارهای محلی و بین‌المللی مورد پذیرش باشند؛

– افزایش اطلاعات و ترویج روش‌های تأمین مالی اسلامی در داخل و خارج از بانک؛

– تأیید گزینش نیروی انسانی بانک، به‌ویژه در سطوح عالی مدیریتی از منظر سطح دانش و آشنایی نیروها با مفاهیم بانکداری اسلامی.

درخصوص تصمیم‌های هیئت شرعی، موارد زیر قابل اشاره است: (تارنمای بانک الرجحی)

– اجرای تصمیم‌های هیئت شرعی برای همه بخش‌ها از قبیل مدیریت بانک، الزام‌آور و اجباری است؛

– اجرای تصمیم‌های هیئت شرعی، مسئولیتی برعهده تمام سطوح مدیریت اجرایی بانک است؛

– تا قبل از تصویب و تأیید هیئت شرعی، محصول یا خدمتی امکان ارایه ندارد؛

– تصمیم‌های هیئت شرعی برای اجرا، در تمامی معاملات محلی و بین‌المللی بانک استفاده می‌شود.

درخصوص عملیاتی کردن سیاست‌های هیئت شرعی موارد زیر قابل اشاره است: (تارنمای بانک الرجحی)

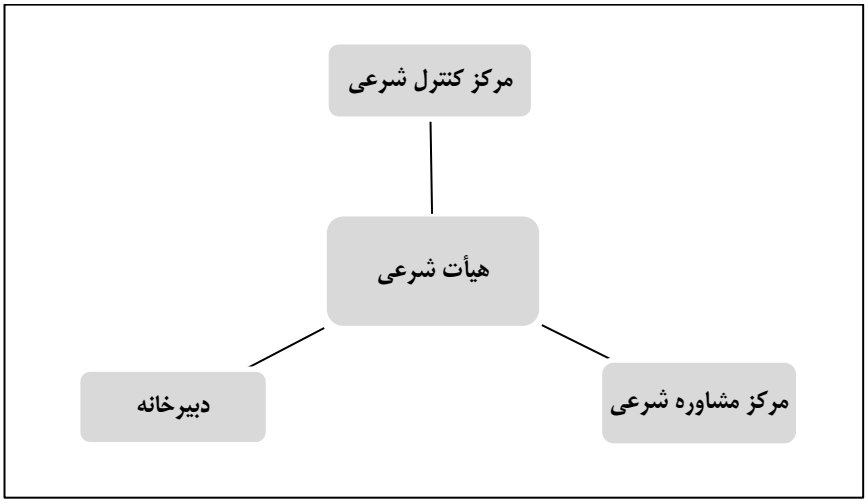
- ناظران هیئت شرعی با کمک مرکز کنترل شرعی، مطابق با دیدگاه‌ها و تصمیم‌های هیئت شرعی اقدام و پیگیری می‌کنند؛
- هیئت شرعی با استفاده از ابزارهای مناسب، به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی درخصوص بانکداری و سرمایه‌گذاری اسلامی اقدام می‌کند؛
- هیئت شرعی با توجه به سیاست‌های بانکداری اسلامی در خط مقدم مراحل انتخاب و گزینش نیروی انسانی (خصوصاً مدیران رده بالا) بانک قرار دارد؛
- چاپ و انتشار جراید و دفترچه‌های راهنمای شرعی برای عملیاتی کردن تصمیم‌های هیئت شرعی مورد توجه قرار دارد؛
- تخطی از تصمیم‌های هیئت شرعی یا راه‌اندازی محصولی بدون کسب تأییدیه هیئت شرعی صریحاً ممنوع است و متخلفان جریمه می‌شوند.

بنا به اصول تعریف شده توسط هیئت شرعی بانک الرجحی، فعالیت‌ها و کسب‌وکارهای زیر از حیث انطباق با موازین شریعت در فهرست سیاه قرار گرفته‌اند و بانک به انجام دادن عملیات مالی و تجاری در این حوزه‌ها مجاز نیست. (تارنمای بانک الرجحی)

- کلیه فعالیت‌های مرتبط با تولید، توزیع، عرضه خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و ... مرتبط با نوشیدنی‌های الکلی؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با قمار؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با تولید فیلم و محصولات هرزه‌نگاری؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با خلاف شرع، دارای مصادیق مجرمانه، اختلاط آزاد و غیرشرعی مرد و زن، موسیقی با متن آهنگ نامناسب و ...؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با پرورش خوک و توزیع گوشت خوک؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با فحشا؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با ساخت و توزیع بت و ادوات شرک‌آلود.
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با ربا؛
- کلیه فعالیت‌ها و معاملات مرتبط با بیمه متعارف (غیراسلامی)؛

شایان ذکر است، هیئت شرعی بانک الرجحی از سه نهاد برای انجام دادن وظایف خود بهره می‌برد: مرکز کنترل شرعی[1]، مرکز کنترل و اطلاعات[2] (مشاوره) شرعی و دبیرخانه[3] هیأت شرعی. (شکل شماره ۴)

شکل شماره ٤: نهادهای هیئت شرعی بانک الرجحی



مرکز کنترل شرعی، نهاد اجرایی هیئت شرعی بانک است و وظیفه تهیه گزارش‌های منظم درباره میزان انطباق عملیات بانک با موازین شریعت را برای ارایه به گروه شرعی بانک عهده‌دار است. این مرکز با بازدید و نظارت بر اجرای کامل و صحیح مصوبات هیئت در بخش‌های مختلف بانک اعم از دفتر مرکزی و شعب بانک، مراکز انتقال، اتاق تجارت، اتاق معاملات و غیره، به‌نحو مستمر به تهیه و ارایه گزارش‌های دوره‌ای اقدام می‌کند. با توجه به آنکه راهنمای واحدی برای نحوه عملکرد هیئت شرعی در این کشور وجود ندارد، بانک الرجحی رأساً دستورالعمل شریعت در امور بانکی را تدوین و ابلاغ کرده که مبنای کار مرکز کنترل شرعی نیز هست. بر این اساس، مرکز حق کامل دسترسی بدون محدودیت به مستندات و تراکنش‌ها، قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها و اطلاعات بانکی را دارد و بنا به ضرورت و نیاز می‌تواند از آن استفاده کند. همچنین، مرکز کنترل شرعی با شوراهای شرعی مؤسسات مالی، سایر نهادهای شرعی و نیز مؤسسات و مراکز فقهی، علمی و دانشگاهی مرتبط در ارتباط است. چاپ و

[1] Shari’ah Control Department
[2] Control and Information Unit
[3] secretariat

انتشار جراید و دفترچه‌های راهنمای شرعی برای تکمیل گزارش‌های دوره‌ای و آموزش نیروهای انسانی تازه وارد نیز برعهده این مرکز قرار داده شده است.

مرکز کنترل و اطلاعات (مشاوره) شرعی با مطالعه مستندات، قراردادها، تفاهم‌نامه‌ها و اطلاعات بانکی، مهم‌ترین موضوعات و موارد مطالعاتی و تحقیقاتی را که باید نتیجه‌اش در هیئت شرعی طرح و بررسی شود، تعیین و اعلام می‌دارد. مشارکت در ساخت و توسعه محصولات منطبق با شریعت و یافتن جایگزین‌های شرعی و قانونی از دیگر دستور کارهای این مرکز است. در نهایت، دبیرخانه هیئت شرعی، هماهنگی جلسات و امور دفتری و اداری این هیئت را برای اجرای بهتر امور، پیگیری می‌کند. (تارنمای بانک الرجحی)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مرور تجارب بین‌المللی حاکی از این نکته است که بسیاری از کشورهای اسلامی در پاسخ به نیاز مؤسسات مالی اسلامی، به برقراری چهارچوب حاکمیت و نظارت شرعی اقدام کرده‌اند که نبود چهارچوب جامع و واحد، بدان منجر شده که روش‌ها و الگوهای متنوعی از این مقوله در کشورهای مختلف اجرایی شود که معمولاً براساس نیازها، شرایط، ظرفیت‌ها و تجارب هر یک از کشورها، متفاوت از یکدیگرند.

در میان کشورهای اسلامی در زمینه حاکمیت و نظارت شرعی در سطح ملی، پاکستان به‌عنوان کشوری با «رویکرد مداخله‌گرایانه» و عربستان با «رویکرد منفعلانه» شناخته می‌شوند. از این‌رو، در این تحقیق به تبیین سازوکار نظارت شرعی در بانک میزان پاکستان و بانک الرجحی عربستان به‌عنوان دو بانک بزرگ اسلامی جهان پرداخته شده است.

بانک میزان پاکستان به مانند سایر بانک‌های اسلامی این کشور بنا به مقررات بالادستی بانک مرکزی پاکستان، از یک هیئت شرعی با دست‌کم سه فقیه دارای شرایط لازم منتخب هیئت‌مدیره بانک برخوردار است. البته، برای تقویت هیئت شرعی، حضور اقتصاددانان، حسابداران، حقوقدانان و سایر متخصصان مرتبط با موضوع بدون حق رأی در جلسات این هیئت بلامانع است. اجرای کلیه تصمیم‌ها و مصوبات هیئت شرعی بانک میزان برای ارکان مختلف بانک الزام‌آور و اجباری بوده و کلیه‌ی خدمات و محصولات جدید بانک نیز پیش از اجرا (و حتی پیشنهاددهی به بانک) باید به تأیید و تصویب هیئت شرعی رسیده باشد. همچنین، اداره توسعه محصول و انطباق با شریعت (PDSC) به‌عنوان بازوی عملیاتی هیئت شرعی فعالیت دارد و به این هیئت گزارش می‌دهد. این اداره، مسئول دبیرخانه هیئت شرعی، کانال ارتباطی مدیریت و هیئت شرعی بانک، بررسی انطباق فعالیت‌ها با

شریعت، ارسال گزارش‌های حسابرسی شرعی (داخلی و خارجی) به هیئت شرعی، آموزش واحدهای منابع انسانی درخصوص موازین انطباق با شریعت و سایر فعالیت‌های مرتبط و لازم است. همچنین، وظیفه دارد محتوای دبیرخانه‌ای لازم برای جلسات هیئت شرعی همچون دستور جلسات، طرح‌های پیشنهادی (پروپوزال)، کاربرگ‌های گردش کار و ... را پیش از جلسه هیئت آماده کند. واحد داخلی و خارجی حسابرسی شرعی یکی از نهادهای مربوط به هیئت شرعی این بانک است که در این پژوهش به‌شرح وظایف آنان پرداخته شد.

از سوی دیگر، بانک الرجحی عربستان بنا به تصمیم داخلی خود (و نه به اجبار بانک مرکزی عربستان) دارای هیئت شرعی است که کاملاً مستقل از سایر بخش‌های بانک، حتی هیئت‌مدیره است. این استقلال یک استاندارد مهم برای تضمین کیفیت کار این هیئت به‌حساب می‌آید. دامنه فعالیت این هیئت در حدی است که اطمینان حاصل شود که تمام فعالیت‌ها و معاملات بانک الرجحی مطابق با قوانین شریعت است. از مهم‌ترین مسئولیت‌های هیئت شرعی بانک الرجحی می‌توان به نظارت و انطباق مستمر معاملات و عملیات بانک با اصول شریعت اسلامی، گسترش خدمات و محصولات منطبق بر شریعت اسلامی، افزایش اطلاعات و ترویج روش‌های تأمین مالی اسلامی در داخل و خارج از بانک و نیز تأیید گزینش نیروی انسانی بانک، به‌ویژه در سطوح عالی مدیریتی از منظر سطح دانش و آشنایی نیروها با مفاهیم بانکداری اسلامی اشاره کرد. نکته حائز اهمیت این است که اجرای تصمیم‌های هیئت شرعی برای همه بخش‌های بانک، حتی بخش مدیریت، الزام‌آور و اجباری است. هیئت شرعی بانک الرجحی از سه نهاد مرکز کنترل شرعی، مرکز کنترل و اطلاعات (مشاوره) شرعی و دبیرخانه هیئت شرعی برای انجام دادن وظایف خود بهره می‌برد که در این مطالعه به‌شرح تفصیلی وظایف آنان پرداخته شد.

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد از بانک میزان با رویکرد فعالانه در نظام بانکی پاکستان تا بانک الرجحی با رویکرد منفعلانه در نظام بانکی عربستان در سطح ملی، همگی از حساسیت بالایی در مقوله حاکمیت و نظارت شرعی برخوردارند و تفاوت رویکردها صرفاً خود را در سطوح مختلف اجرا اعم از ملی یا بانکی نشان می‌دهد. این حساسیت به اندازه‌ای است که در هر دو این بانک‌ها بدون تأیید و تصویب هیئت شرعی، امکان اجرایی شدن ابزار یا اجرای عملیات و فعالیت بانکی امکان‌پذیر نیست.

منابع و مآخذ

1- Abdullah, M. F., & Rahman (2017); "Shari’ah Governance of Islamic Banks in Bangladesh Issues and Challenges "; ***Journal of Islamic Economics***, Banking and Finance, Vol. 13. No. 3, PP. 82-94.

2- Abidin, N. H. Z., Yasin, F. M., & Abidin, A. Z. (2020). “Independence from the Perspective of the Shari'ah Committee”. ***Asian Journal of Accounting Research***.

3- Ahmed, H. (2011); "hari’ah Governance Regimes for Islamic Finance: Types and Appraisal-I regimi di governance conformi alla shari’ah nella finanza islamica: tipologia e valutazione"; ***Economia Internazionale/International Economics***, Vol. 64, No. 4, PP.393-412.

4- Ahmed, M. & Khatun, M. (2013); " The Compliance with Shariah Governance System of AAOIFI: A Study on Islamic Banks Bangladesh "; ***Journal of Islamic Economics***, Banking and Finance, Vol.113, No. 915, PP. 1-15.

5- Alam, M. K., Rahman, S. A., Hossain, M. S., & Hosen, S. (2019); "Shariah Governance Practices and Regulatory Problems of Islamic Insurance Companies in Bangladesh"; ***Journal of Academic Research in Business and Social Sciences***, Vol.9, No. 1, PP. 109-124.

6- AlQassar, A. B., & Ahmed, H. (2021). “Regulatory Regimes for Sharīʿah Governance: A Framework of Assessment and Analysis”. ***Journal of Banking Regulation***, 1-16.

7- Al-Shamrani, Ali Saeed (2014); “Islamic financial contracting forms in Saudi Arabia: Law and practice”, A Ph.D. thesis, Brunel University.

8- Ayedh, A. M. A., Shaharuddin, A. & Kamaruddin, M. I. H. (2019), Shariah Screening Methodology: Does It ‘Really’ Shariah Compliance? IQTISHADIA, Vol. 12 (2), PP. 144-172.

9- Azid, T., & Alnodel, A. A. (2019); “Determinants of Shariah Governance Disclosure in Financial Institutions”, ***International Journal of Ethics and Systems***.

10- Ghanavati, J., Sadeghi, M. & Fattahi, A. (2020), “The legal status of Sharia’s governance and it’s authority in capital market”, ***SEO Quarterly Journal***, V. 13, No. 49 (In Persian).

11- Grassa, R. (2013); "Shariah Supervisory System in Islamic Financial Institutions New Issues and Challenges: A Comparative Analysis between Southeast Asia models and GCC Models"; Humanomics, Vol. 29, No. 4, PP. 333-348.

12- Hamza, H. (2013); "Sharia Governance in Islamic Banks: Effectiveness and Supervision Model"; ***International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management***; Vol. 6, No. 3, PP. 226-237.

13- Harrison, T., & Ibrahim, E. (2016); "Islamic Finance: Principles, Performance and Prospects"; Springer.
14- Hasan, Z. (2011); "A Survey on Shariah Governance Practices in Malaysia, GCC Countries and the UK"; ***International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Managemen***, Vol. 4, No. 1, PP. 30-51.
15- Hasan, Z. (2014); "In Search of the Perceptions of the Shariah Scholars on Shariah Governance System"; ***International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management***, Vol. 7, No. 1, PP. 22-36.
16- Hassan, A., Sohail, M. S. & Munshi M. R. (2021), Sharīʿah governance and agency dynamics of Islamic banking operations in the Kingdom of Saudi Arabia, ***ISRA International Journal of Islamic Finance***.
17- Hosseini, S.A., Babaei, F & Qelich, W. (2021), "In search of the perceptions of academicians and financial markets practitioners on Shariah governance practices", ***Quarterly Journal of Islamic Banking***, V. 21, No. 81 (In Persian).
18- Islamic Financial Services Board (IFSB) (2009); "Guiding Principles on Shariah Governance for Institutions Offering Islamic Financial Services"; ***Kuala Lumpur: Islamic Financial Services Board***.
19- Kantakji, M. H., Zada, N., Alaeddin, O., & Zainudin. Z. (2018), "Are Current Shariah Governance Systems Efficient?" ***International Journal of Engineering & Technology***, 7 (4.29), 154-156.
20- Kasim, N., NuHtay, S. N. & Salman, S. (2013); "Comparative Analysis on AAOIFI, IFSB and BNM Shariah Governanc Guidelines"; ***International Journal of Business and Social Science***, Vol. 4, No. 15, PP. 220-227.
21- Malkawi, B. H. (2013). Shariah Board in the Governance Structure of Islamic Financial Institutions. ***The American Journal of Comparative Law***, Vol. 61, No. 3, PP. 539-578.
22- Miajee, M. R. K. (2018);" Shariah Governance: Perspective of Islamic Finance***"; International Journal of Shari'ah and Corporate Governance Research***, Vol. 1, No. 1, PP. 1-2.
23- Miskam, S & Amrullah, M. (2017); "Towards Enhancing Corporate and Shariah Governance of Islamic Financial Institutions in Malaysia: A Legal Analysis"; 3rd Muzakarah Fiqh & International Fiqh Conference (3rd MFIFC), Shah Alam.
24- Mizushima, T. (2014); "Corporate Governance and Shariah Governance at Islamic Financial Institutions: Assessing from Current Practice in Malaysia"; ***Reitaku Journal of Interdisciplinary Studies***, Vol. 22, No. 1, PP. 59-84.
25- Muhamad Sori, Z., Mohamad, S., & Shah, M. (2015); "Shariah Governance Practices in Malaysian Islamic Financial Institutions"; Available at SSRN 2579174.

26- Nafees, S. M. M., Risna, M. R. P., Rukshana, M. F., & Zahira, M. F. F. (2019); "Sharia Governance of Islamic Financial institutions: A Comparative Study among Malaysia, Bahrain and Sri Lanka"; ***Sri Lankan Journal of Arabic and Islamic Studies***, Vol. 2, No. 1, PP. 68-83.
27- Navabi Moghadam, Z., Zare, A., Yousefi sadeghloo, A. & Jamali, J. (2023), "Jurisprudential and Legal Study of Sharia Supervision and Strategies of Implementing It in the Islamic Banking System", ***Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence***, V. 15, No. 29 (In Persian).
28- Norman, Naji Mansour & Razali Haron (2020), A systematic literature review on Shari'ah governance mechanism and firm performance in Islamic banking, Islamic Economic Studies, Vol. 27 No. 2, pp. 91-123.
29- Nowroz, T. (2018); "Corporate Governance: The Effect of Shariah Supervisory Board on Malaysian Financial Institutions' Performance"; (Doctoral dissertation, University of Salford).
30- Ridwan, R., & Mayapada, A. G. (2020);" Does Sharia Governance Influence Corporate Social Responsibility Disclosure in Indonesia Islamic Banks?"; ***Journal of Sustainable Finance & investment***, PP. 1-20.
31- Rohani, S.A. & Banitaba, S.M. (), "Consequences of Lack of Sharia Supervision on Iran's Banking System and its Policy Implications", ***Quarterly Journal of Islamic Banking***, V. 17, No. 68 (In Persian).
32- Shazad, M. A., Ehsan A., Ayaz, M & Iqbal H. R. (2021), The Competency of Sharī 'ah Auditors in Islamic Banking Institutions: An Analytical Study, ***COMSATS Journal of Islamic Finance***, Vol 6(2), pp 1-18.
33- Slahudin, C. (2008); "OECD principles and the Islamic perspective on corporate governance"; ***Review of Islamic Economics***, Vol. 12, No. 1, PP. 29-39.
34- State Bank of Pakistan (2018), Shari'ah Governance Framework for Islamic Banking Institutions, ***Islamic Banking Department of State Bank of Pakistan*** (updated till June 2018).
35- Tohidi M. & Fattahi A. (2019), "Parameters of Promotion of Shariah Supervision of Iran's Capital Market Base on International Shariah Supervision Standards by Thematic Analysis Approach (Case Study: International Standards IFSB & AAOIFI)", ***SEO Quarterly Journal***, V. 12, No. 47 (In Persian).
36- Uddin, M.A. (2015); "Governance from Islamic Economic Perspective: A Shariah Governance Framework"; ***Journal of Islamic Banking and Finance***, Vol. 35, No. 3, PP. 55-63.
37- Zain, S. N. M. D., & Shafii, Z. (2018); "The Impact of Shariah Governance to Financial and Non-Financial Performance in Islamic Financial Institutions

(IFIs): A Literature Suurvey". ***International Journal of Islamic Business***, 3(2), 27-40.
38- https://www.alrajhibank.com.sa.
39- https://www.meezanbank.com.
40- https://www.theasianbanker.com.